

CULFA

IA III - 225-27

EI II, 592. Eshya Celbi-Syart II, 236

Sept: 274-277

MC-III 92

Kenci-Jany, S. 512

Mabava

Emelda dicoret dianggap orang tua prabu
Isfahan dip' sajalama yerkepudde
Sama di bu yede, kandi refah ra bujinsir
Sir topilit gajinalemme run vaxit.

C.H. Iran VI

S. 454

Père Rigordi ree

Fransis Dicit Papazi Pe're Chezard

Suh Abbas II dan Licut-Melayaw

kumar in ya vstela, O du' onu
1653 Culfa du burmusu ten vaxit.

S. 398

"Culfa" (sh. 146-147)

27 AGUSTOS 1997

"The Persians"

A. Bausani

955.01 / BAU P.

Sultan Husayn Zamanud Culfa
Mogmatendi ra obrumlemuda epr bir
vaxit celude. S. 322

Canp. His Iran VI,

Licut Mahmud dandit.

Suh Solayman 1094/1683 de Juffa' Labi
emamlemdu t' bir figutla ra toplogu
erkeklemnden ordoklogu alanan bohemu
Kethudlogu v' d' de Juffa' emam
Kalendar barfudur Gize Galude. Syne gel
Juffa' du alim arye m' d' 580 fannu
skud 1. J Abbas zamanu ^{busun} 190 fannu
id. bu a'cal shaw sebabi konleri
Loreya yerkebunge desret chu amur d' syade
e. S. 548-49

Culfa (S. 63, 197, 198)

27 AGUSTOS 1997

"Iran"

D. N. Wilber

955.04 (MIL)

36in Emami D'asmin Azerbaycan
culfa'ndu isfahan culfa'ndu d' d' d' d'
celude' onudu bir olupdi.

S. 271

Can. His. Iran, VI, 271

Mimari abrah Culfa, patih, dini, c'ebi
ra sasyal acudu olupur gibn' d' d' d' d'
gaburu bir yapi nodelu fannu.

C.H. Of Iran VI S. 840

diwadid al- 'Alam, (tr. V. Minorsky)

London 1970, p. 102

Hamidullah Mustafiz, Nuzhat al-Kutub
(tr. G. Le Strange), — Tabian 1362,
p. 150,

سال بود می نویسد:

نینوس سوم که یکی از سلاطین سلوس بود، وقتی که از عقب اردوان اول پادشاه اشکانی باجمعی از لشکریان بطرف مازندران می رفت، چندی در قومس توقف کرد بعد حرکت کرده در دامنه کوه لبوتا که اول منزل او به جانب مازندران بود رسید و کنار چشمه که از کوه لبوتا بیرون می آمد دویم منزلش واقع شده از آنجا به ساری چون سیل کوهساری جاری و ساری گردید و شکست فاحش بقشون و لشکر اردوان وارد آورد.

گرگان است و دارالملک استرآباد بوده و بنایش میلاد جرجان گرگین.

ز تیغ شیرشکارت هنوز تا گرگان

بسان پیرهن یوسف است خون آلود

اکنون گرگان خراب و استرآباد آباد است. شهری است در حوالی رود گرگان گویند

محل استران میلاد گرگین بوده است.

جلفا

دو موضع را جلفا می نامند: یکی محلی است در کنار رود ارس که جزو نخجوان محسوب می شود و جلفای حقیقی همان است و قبرستان کهنه در آنجا با آثار خرابه قدیم زیاد است و این جلفا از شهرهای قدیم و موسوم به اریام من بوده و در دامنه کوه به طول واقع و مشرف به رود ارس است و چند قلعه کوچک هم که بیشتر به برج شباهت دارند و در اطراف این شهر جهت محافظت آن ساخته بودند و از قرار تواریخ چهار هزار خانوار بوده و آثار خرابه ها که پیداست، گواهی می دهد که شهر خیلی قدیم و بسیار معتبر بوده و غریب این است که با وجود رود مطلقاً باغ و باغچه نداشته و سبزه و درختی نگاشته اند و ندارد. و مکرر در سنوات بر روی آن رود به معبر جلفا پل ساخته اند و معدوم گردیده. در زمانی که عساکر سلطان صاحبقران امیر تیمور گورکان از پل جلفا عبور نموده اند، پل معتبری که باینش ضیاءالملک نامی بوده بسیار معتبر و برقرار و عابری را نیکو رهگذاری بوده، و در سنه ۷۸۸ هفتصد و هشتاد و هشت لشکریانش از آن معبر گذشت. در ظفرنامه تیموری نگاشته شرف الدین در شرح آنجا چنین نگاشته شده.

پل ضیاءالملک در جوله جلفا قنطره ای است که در زیر طاق آبگون گردون و آسمان و قلمون طاق و بیهمتا افتاده و کسی نظیر آن در جهان ندیده و نشان نداده، چه در ولایت

نخج در شهر خبر افیای تاریخی سده هشتمی ایران

تالیف

CULFA

۶۱۲

محمد تقی خان حکیم

مقدمه

دکتر عبدالمجید نوری

به تمام

دکتر محمد علی صوتی - جمشید کمانفر

تهران ۱۳۶۶

Julfar, cité portuaire du Golfe arabo-persique à la période islamique

par Claire Hardy-Guilbert (C.N.R.S.)*

SUMMARY :

The archaeological site of Julfar in the United Arab Emirates, is situated on the South-East side of the Arabo-Persian Gulf. It extends along an inshore bay to the North of the modern city of Ra's al-Khaimah for a distance of 2 kilometres by 300-400 metres wide. Two seasons of archaeological research were carried out in 1989 and 1990 by the International Archaeological Project of Julfar.

The French Julfar excavations, located at al-Mataf, opened an area of 150 square metres. In this excavation we found several dwelling levels, with a large cooking-place (with six bread (?) ovens), built on a trapezoidal tower made of stones and a surrounding wall. The dwelling units look like barasti habitations and two of the ovens are made in a ceramic jar. The excavated part of the surrounding wall is built in a composite material of mud-brick (the inner face) and of large calcareous stones (the outer face). The remains of this building suggest that it is one of the forts which existed during the Portuguese period at Julfar.

A type analysis of the finds recovered in this area suggests a similar chronological sequence to that which J. Hansman suggested, from the XIVth to the XVIIth centuries. This material shows the richness of the local ceramic production (Julfar ware). The imported ceramics are from many countries including Iran, Iraq, the Indus Valley, Thailand (Sawankhalok jars, celadon), Viet-Nam (blue and white porcelain, Annamese dishes), and China (blue and white porcelain and celadon). A notable unglazed ceramic is decorated "a cru", with combed, incised gouged and stamped motifs; it is also molded with typical Islamic patterns (interlaced designs, floral arabesques, fleurons, and Arabic inscriptions).

The city that we are presently digging, Julfar, is the tutelage of the Ormuzi and the Portuguese, kings and a prosperous commercial center with intense maritime trade. We may deduce, perhaps, that Julfar took over the commercial activities from Sohar in Oman, during this period.

* L'étude des sources anciennes arabes a été effectuée en collaboration avec Françoise Micheau, maître de conférences à l'Université de Paris I-Sorbonne qui a rendu visite à la mission en février 1990. La lecture du matériel épigraphique arabe a été confiée à Ludvik Kalus, professeur à l'Université de Paris IV-Sorbonne.

Paris 1986; *Et*¹, s.v. "Al-Kīmiyā" (by E. Wiedemann); *Et*², *suppl.*, fascs 5-6, Leiden 1982, s.v. "Al-Djildakī" (by G. Strohmaier); Eric John Holmyard, *Alchemy*, Middlesex, Engl. 1957; Lucien Leclerc, *Histoire de la médecine arabe*, New York 1971; Wilhelm Pertsch, *Die arabischen Handschriften der Herzoglichen Bibliothek zu Gotha*, Gotha, vol.2, 1880, vol.4 [n.d.]; George Sarton, "Fourteenth critical bibliography [Review of Wiedemann, *Zur Alchemie*]", *ISIS*, vol. 5 (1923); idem, *Introduction to the history of science*, Malabar, Fla. 1975; idem, "Sixty-sixth critical bibliography [Review of Eric John Holmyard, 'Aidamir Al-Jildakī', *Iraq*, 4 (1937), pp. 47-53]", *ISIS*, vol.35 (1944); Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Leiden 1967-

/ نگار نادری /

جلفا (۱). شهرستان و شهری در استان آذربایجان شرقی. (۱) **شهرستان جلفا**. شهرستان مرزی جلفا در شمال استان واقع است. رود ارس^{*}، با جهت عمومی غربی - شرقی، در شمال شهرستان جریان دارد و با جمهوری آذربایجان در مغرب و جمهوری ارمنستان در مشرق هم‌مرز است. جلفا از مشرق به شهرستان کلیبر، از جنوب به شهرستانهای اهر و مرند، و از مغرب به شهرستانهای خوی و ماکو (در استان آذربایجان غربی) محدود می‌شود و مشتمل است بر دو بخش به نامهای مرکزی و سیه‌رود، پنج دهستان به نامهای اژسی، شجاع، داران، دیزمار غربی و نوجه‌مهر، و سه شهر به نامهای جلفا، هادی‌شهر و سیه‌رود (مرکز بخش سیه‌رود). مرکز آن شهر جلفاست. کوههایی از توده سبلان - جلفا (جزو کوههای آذربایجان)، عمدتاً با جهت عمومی جنوب‌غربی - شمال‌شرقی، در مشرق و مغرب شهرستان امتداد دارد و بقیه قسمتهای آن را دامنه‌ها و دشتهای فراگرفته‌اند. از مهم‌ترین کوههای شهرستان‌اند: کیانکی داغ (بلندترین قله > ۳۳۴۷ متر)، در شش کیلومتری جنوب‌شرقی آبادی داران؛ قره‌گز (بلندترین قله > ۲۴۱۵ متر)، در چهار کیلومتری شمال‌شرقی آبادی قره‌گز؛ دیوان داغ (بلندترین قله > ۲۵۷۷ متر)، در چهل کیلومتری شمال‌غربی شهر مرند؛ علی‌باشی (بلندترین قله > ۱۹۵۰ متر)؛ اوچ‌تپه (بلندترین قله > ۱۳۰۳ متر)؛ و آق‌داغ (بلندترین قله > ۱۱۵۰ متر)؛ جعفری، ج ۱، ص ۴۹، ۸۳، ۲۷۰، ۳۸۰، ۴۰۰، ۴۵۸. زمینهای شهرستان را علاوه بر رود ارس، رودهای آق‌چای (به طول > ۱۳۷ کیلومتر) و هو مغرب، دره دیزچای (به طول حدود چهل کیلومتر) و

کورین، شرح او بر خطبه‌البيان منسوب به امام علی علیه‌السلام را از روی نسخه خطی به فرانسه ترجمه کرده است (← کورین، ص ۲۹-۵۵) و پیر لوری مواضع جلدکی را در این شرح، دلیل شیعه بودن او دانسته است (همان، مقدمه، ص ۲۸). بیشتر آثار او به صورت نسخه‌های خطی (سارتون، ۱۹۷۵، همانجا) در کتابخانه‌های دنیا پراکنده‌اند (از جمله ← پرچ^۱، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۸-۴۶۹، ۴۷۳-۴۷۵؛ همو، ج ۴، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ آلوارت، همانجا؛ آریری، ج ۱، ص ۴۳، ج ۵، ص ۹، ج ۶، ص ۲، ۱۷، ۱۶۶، ج ۷، ص ۹۳؛ حمارنه، ص ۳۷۱، ۳۷۳-۳۷۴، ۳۷۶). در کتابخانه‌های ایران نیز نسخه خطی برخی آثار او به صورت مفرد یا در مجموعه‌ها محفوظ‌اند (صدرایی خوئی، ج ۳۶، ص ۳۲-۳۳، ۵۴، ۷۵-۷۶، ۸۱-۸۲، ۸۴-۸۵، ۱۲۵-۱۲۶، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۶۰-۱۶۲؛ افشار و دانش‌پژوه، ج ۱۱، ص ۹۲-۹۳؛ دانش‌پژوه، ج ۱، ص ۳۵۶، ۶۴۶؛ برای ترجمه‌های فارسی آثار او ← منزوی، ج ۵، ص ۳۹۴۱، ۳۹۴۴، ۳۹۴۵).

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ اعتمادالسلطنه؛ ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، *فهرست الفبایی مؤلفان، مصنفان، گردآورندگان کتابخانه ملی ملک، تهران ۱۳۷۵ ش*؛ اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ حاجی خلیفه؛ حکمت نجیب عبدالرحمان، *درانسان فی تاریخ العلوم عندالعرب*، موصل ۱۹۷۷/۱۳۹۷؛ سامی جلف حمارنه، *فهرست مخطوطات دارالکتب الظاهرية: الطب و الصيدلة، چاپ اسماء حمصی، دمشق ۱۹۶۹/۱۳۸۹*؛ محمدتقی دانش‌پژوه، *فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، ج ۱، تهران ۱۳۴۸ ش؛ خیرالدین زرکلی، *الاعلام، بیروت ۱۹۹۹*؛ یوسف لیان سرکیس، *معجم المطبوعات العربیة و المعریة، قاهره ۱۹۲۸/۱۳۴۶*؛ چاپ افت قم ۱۴۱۰؛ علی جمعان شکیل، *الکیمیاء فی الحضارة الاسلامیة، قاهره ۱۹۸۹/۱۴۰۹*؛ علی صدرایی خوئی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۶، قم ۱۳۷۷ ش*؛ فاضل احمد طائی، *اعلام العرب فی الکیمیاء، بغداد [۱۹۸۱]*؛ فاضل خلیل ابراهیم، *عزالدین ایدمرالجلدکی: مکانته العلمیة و مؤلفاته فی الکیمیاء، مجلة معهد المخطوطات العزبئیة، ج ۲۹، ش ۲ (شوال ۱۴۰۵ - ربيع الآخر ۱۴۰۶)*؛ احمد منزوی، *فهرستواره کتابهای فارسی، تهران ۱۳۷۴ ش*.

W. Ahlwardt, *Die Handschriften-Verzeichnisse der Königlichen Bibliothek zu Berlin: Verzeichniss der arabischen Handschriften*, vol.3, Berlin 1891; Arthur John Arberry, *The Chester Beatty Library: a handlist of the Arabic manuscripts*, Dublin, vol. 2, 1956, vol.5, 1962, vol.7, 1964; Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Litterature*, Leiden 1943-1949, *Supplementband*, 1937-1942; Henry Corbin, *L'alchimie comme art hiératique*,

1. Pertsch

آنجا وجود دارد. خانه‌های قدیمی این روستا به سبک معماری دوره صفویه و قاجاریه است. ویرانه‌های آسیایی کهن موسوم به آسیاب خرابه در ۲۷ کیلومتری هادی‌شهر، و آبشار واقع در نزدیک آن و برج دو زال از دیگر جاذبه‌های گردشگری این شهرستان است (همان، نیز «به شهرستان»، بش).

شهر جلقا: این شهر در شمال شهرستان جلقا، در ۴۵° و ۳۸' طول شرقی و ۳۸° و ۵۶' عرض شمالی و در ارتفاع ۷۱۰ متری از سطح دریا واقع است (پاپلی، ۱۶۳) و جمعیت آن براساس سرشماری ۱۳۸۵ ش، ۴۹۸۳ تن بوده است («درگاه»، بش).

فعالیت اقتصادی بیشتر مردم جلقا، به سبب موقعیت مرزی آن، خدمت در امور اداری، گمرکی و راه‌آهن است؛ این شهر به سبب قرار گرفتن در مسیر ورودی کشورهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان، و سهولت دسترسی به کشورهای اروپایی و آسیایی یکی از مناطق مستعد برای تجارت به شام می‌آید؛ از این‌رو، در ۳۰ تیر ۱۳۷۶، از سوی شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی به عنوان منطقه ویژه اقتصادی شناخته شد («فرمانداری»، بش؛ خاماچی، ۳۰۳)؛ افزون بر فعالیتهای بازرگانی، این شهر به دلیل قرار گرفتن در کنار رود ارس، از منابع آبی مناسبی نسبت به دیگر نقاط شهرستان برای کشاورزی برخوردار است («فرمانداری»، بش).

مآخذ: «اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی» (نک: مل، آذربایجان...؛ اطلس گیتاشناسی استانهای ایران، به کوشش سعید بختیاری، تهران، ۱۳۸۳ ش؛ افشین، یدالله، رودخانه‌های ایران، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، ۱۳۴۳ ش؛ «به شهرستان جلقا خوش آمدید» (نک: مل، حیدریابا)، پاپلی یزدی، محمدحسین، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، مشهد، ۱۳۶۷ ش؛ جعفری، عباس، رودها و رودنامه ایران، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ جغرافیای استان آذربایجان شرقی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۸۵ ش؛ خاماچی، بهروز، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ «درگاه ملی آمار» (نک: مل، SCI)؛ دیباج، اسماعیل، آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان، تهران، ۱۳۴۶ ش؛ رئیس‌نیا، رحیم، آذربایجان در سیر تاریخ ایران، تبریز، ۱۳۶۸ ش؛ «شرکت عمران جلقا» (نک: مل، جلقا ۲)؛ عالم‌پور رجبی، مسعود، سیمای میراث فرهنگی آذربایجان شرقی، تهران، ۱۳۵۰ ش؛ «فرمانداری جلقا» (نک: مل، جلقا ۱)؛ فرهنگ جغرافیای آبادیهای کشور، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۱ ش؛ مشکور، محمدجواد، نظری به تاریخ آذربایجان باستانی و جمعیت‌شناسی آن، تهران، ۱۳۴۹ ش؛ نشریه عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری، دفتر تقسیمات کشوری، تهران، ۱۳۸۸ ش؛ نیز:

Eazarbayjan miras, www.eazarbayjanmiras.ir; Heydarbaba, www.heydarbaba.org; Jolfa 1, www.jolfa.gov.ir; Jolfa 2, www.jolfa.org; tabriz, SCI, www.sci.org.ir/portal/faces/public/census 85.
لیلا رضایی

جُلَقَا، یکی از مناطق یازده‌گانه شهر اصفهان، واقع در جنوب زاینده رود، که با کوچاندن ارمنیان از جلقای ارمنستان و اسکان آنها در این شهر در سالهای آغازین سده ۱۱/ق ۱۷ شکل

«فرمانداری...» (بش). زمینهای این شهرستان افزون بر رود ارس، از رودهای آق‌چای (به طول حدود ۱۳۷ کم) و قازان‌چای (به طول حدود ۲۸ کم) آبروی‌چای (به طول حدود ۱۲ کم) و حاجیلرچای (به طول حدود ۶۵ کم) و چند رود کوچک دیگر آبیاری می‌شود (جعفری، ۹۶، ۱۱۷، ۱۹۹، ۲۲۲، ۲۵۴؛ افشین، ۴۳/۲، ۷۲-۷۱، ۸۰). قرار گرفتن این منطقه در میان کوههای بلند سبب شده است تا بادهای باران‌آور مدیترانه‌ای قدرت نفوذ به این منطقه را نداشته باشند؛ از این‌رو، شهرستان جلقا یکی از کم‌باران‌ترین نقاط استان آذربایجان شرقی است و میزان بارندگی آن در سال از ۲۸۰ میلی‌متر تجاوز نمی‌کند («فرمانداری»، بش؛ خاماچی، ۳۰۲). آب و هوای این شهرستان، در تابستان گرم و در زمستان معتدل است (همانجا).

راه‌آهن جلقا - تبریز (احداث: ح ۱۲۹۳ ش/۱۹۱۴ م)، از این شهرستان عبور می‌کند و از طریق پلی بر رود ارس، به راه‌آهن جمهوری آذربایجان متصل می‌شود (رئیس‌نیا، ۴۵/۱-۴۶؛ ایرانشهر، ۱۳۷۶/۲).

اساس اقتصاد شهرستان جلقا به سبب هم‌جواری با کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان نخست بر فعالیتهای بازرگانی و سپس بر کشاورزی و صنایع دستی استوار است. کشاورزی در آنجا به سبب خشکی هوا رونق چندانی ندارد و عمده زمینهای کشاورزی آن در حوالی هادی‌شهر (علمدار و گرگر) قرار دارد. قالی و گلیم‌بافی که دیرینگی بسیار در هادی‌شهر دارد، از مهم‌ترین صنایع دستی این شهرستان به شمار می‌آید (فرهنگ... ۶۰/۶).

شهرستان جلقا در سرشماری سال ۱۳۸۵ ش، ۵۳۰۵۷۹ تن جمعیت داشته است («درگاه...»، بش). مردم این شهرستان به زبان ترکی گفت‌وگو می‌کنند و شیعه دوازده امامی هستند (فرهنگ... ۵۹/۶).

این شهرستان آثار تاریخی و مکانهای دیدنی متعددی دارد که از آن جمله‌اند: کلیسای سنت استپانوس (یا کلیسای دره شام)، متعلق به سده‌های ۴-۱۰/ق ۱۲-۱۰ م، با دیوارها و طاقهایی از سنگهای سفید و سیاه و نقوش برجسته (مشکور، ۴۰۲؛ دیباج، ۲۹)؛ «به شهرستان...» (بش) و چندین کلیسا و زیارتگاه دیگر واقع در منطقه دره شام («شرکت...»، بش)؛ بقایای پل ضیاءالملک منسوب به ضیاءالملک نخجوانی و کاروان‌سرای شاه عباس در ۸۰۰ متری آن در غرب شهر جلقا؛ تپه‌ای باستانی معروف به کول تپه (تپه خاکستر) واقع در ۴۴ کیلومتری شمال مرند («به شهرستان...»، بش)؛ و حمام تاریخی کردشت یا عباس میرزا در روستای کردشت، با معماری متعلق به سده ۱۲/ق ۱۸ م («شرکت...»، بش) نیز «اداره کل...»، بش). روستای اوشتبین واقع در مجاورت رود ارس که از مجموع ۳ روستای هراس، سیاوشان و جعفرآباد تشکیل شده است و آثاری بازمانده از سده‌های ۹ و ۱۰ ق در

Muhammad Taki Han Sekim,
Genç-i Sanis, Tehran 1366.

۵۱۲ / منج دانش

سال بود می نویسد:

نینوس سوم که یکی از سلاطین سلوس بود، وقتی که از عقب اردوان اول پادشاه اشکانی باجمعی از لشکریان بطرف مازندران می رفت، چندی در قومهس توقف کرد بعد حرکت کرده در دامنه کوه لبوتا که اول منزل او به جانب مازندران بود رسید و کنار چشمه که از کوه لبوتا بیرون می آمد دویم منزلش واقع شده از آنجا به ساری چون سیل کوهساری جاری و ساری گردید و شکست فاحش بقشون و لشکر اردوان وارد آورد.

گرگان است و دارالملک استرآباد بوده و بسائیش میلاد
جرجان گرگین.

ز تیغ شیرشکارت هنوز تا گرگان

بسان پیرهن یوسف است خون آلود

اکنون گرگان خراب و استرآباد آباد است. شهری است در حوالی رود گرگان گویند
مجل استران میلاد گرگین بوده است.

جلفا

در موضع را جلفا می نامند: یکی محلی است در کنار رود ارس که جزو نخجوان محسوب می شود و جلفای حقیقی همان است و قبرستان کهنه در آنجا با آثار خرابه قدیم زیاد است و این جلفا از شهرهای قدیم و موسوم به اریام من بوده و در دامنه کوه به طول واقع و مشرف به رود ارس است و چند قلعه کوچک هم که بیشتر به برج شباهت دارند و در اطراف این شهر جهت محافظت آن ساخته بودند و از قرار تواریخ چهار هزار خانوار بوده و آثار خرابه ها که پیدا است، گواهی می دهد که شهر خیلی قدیم و بسیار معتبر بوده و غریب این است که با وجود رود مطلقاً باغ و باغچه نداشته و سبزه و درختی نگاشته اند و ندارد. و مکرر در سنوات بر روی آن رود به معبر جلفا پل ساخته اند و معدوم گردیده. در زمانی که عساکر سلطان صاحبقران امیر تیمور گورکان از پل جلفا عبور نموده اند، پل معتبری که باینش ضیاءالملک نامی بوده بسیار معتبر و برقرار و عابری را نیکو رهگذاری بوده، و در سنه ۷۸۸ هفتصد و هشتاد و هشت لشکریانش از آن معبر گذشت. در ظفرنامه تیموری نگاشته شرف الدین در شرح آنجا چنین نگاشته شده.

پل ضیاءالملک در جولاها جلفا قنطراهی است که در زیر طاق آبگون گردون و آسمان و قلمون طاق و بیهمتا افتاده و کسی نظیر آن در جهان ندیده و نشان نداده، چه در ولایت